



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رساله‌ی حاضر حاصل پژوهش‌های نگارنده در دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی است که در مهر ماه سال ۱۳۸۹ در دانشکده‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج به راهنمایی جناب آقای دکتر محمدعلی جانی‌پور و مشاوره‌ی جناب آقای دکتر یوسف نیکروز و دکتر علی رضائیان از آن دفاع شده است و کلیه‌ی حقوق مادی و معنوی آن متعلق به دانشگاه یاسوج است.



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

بررسی بخش تاریخی شاهنامه‌ی فردوسی با توجه به منابع  
عمده‌ی تاریخی (از پادشاهی انوشیروان تا پایان پادشاهی یزدگرد  
سوم)

استاد راهنما:  
دکتر محمدعلی جانی‌پور

اساتید مشاور:  
دکتر یوسف نیکروز  
دکتر علی رضائیان

پژوهشگر:  
ابوالحسن ناصرپور

مهرماه ۱۳۸۹



بررسی بخش تاریخی شاهنامه‌ی فردوسی با توجه به منابع عمده‌ی تاریخی (از

پادشاهی انوشیروان تا پایان پادشاهی یزدگرد سوم)

به وسیله‌ی:

ابوالحسن ناصرپور

پایان‌نامه‌ی

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه‌ی

کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

زبان و ادبیات فارسی

در تاریخ ۱۳۸۹/۷/۲۵ توسط هیئت داوران زیر بررسی و با درجه‌ی عالی به تصویب نهایی رسید.

امضا  
امضا  
امضا  
امضا  
امضا

۱- استاد راهنما: دکتر محمدعلی جانی‌پور با مرتبه‌ی علمی استادیار

۲- استاد مشاور: دکتر یوسف نیکروز با مرتبه‌ی علمی استادیار

۳- استاد مشاور: دکتر علی رضائیان با مرتبه علمی استادیار

۴- استاد داور داخل گروه: دکتر محمدحسین نیکداراصل با مرتبه‌ی علمی استادیار

۵- استاد داور خارج گروه: دکتر محمود کمالی با مرتبه‌ی علمی استادیار

مدیر گروه: دکتر قاسم سالاری با مرتبه‌ی علمی استادیار

مهرماه ۱۳۸۹

## سپاسگزاری

اکنون که این رساله به پایان رسیده است، بر خود فرض می‌دانم که از استاد راهنمای ارجمندم جناب آقای دکتر محمدعلی جانی‌پور که با رهنمودهای ارزنده‌شان در طول دوره‌ی تحصیل و در نگارش این رساله روشن‌گر راهم بودند، همچنین از اساتید بزرگوار، جناب آقای دکتر یوسف نیکروز و دکتر علی رضائیان که از مشاوره‌ی آنها در به سرانجام رساندن این پژوهش بهره‌ی بسیار برده‌ام و نیز از مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج، استاد ارجمند، جناب آقای دکتر قاسم سالاری سپاسگزاری کنم.

نام: ابوالحسن

نام خانوادگی: ناصرپور

مقطع: کارشناسی ارشد

رشته‌ی تحصیلی: زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما: دکتر محمدعلی جانی‌پور تاریخ دفاع: ۱۳۸۹/۷/۲۵

### بررسی بخش تاریخی شاهنامه‌ی فردوسی با توجه به منابع عمده‌ی تاریخی (از پادشاهی انوشیروان تا پایان پادشاهی یزدگرد سوم)

شاهنامه‌ی فردوسی به سه دوره‌ی اساطیری، پهلوانی و تاریخی تقسیم می‌شود. بخش اساطیری آن از پادشاهی کیومرث تا ظهور فریدون، بخش پهلوانی آن از پادشاهی فریدون تا آغاز پادشاهی بهمن و بخش تاریخی آن از پادشاهی بهمن تا پایان حکومت ساسانیان در زمان پادشاهی یزدگرد سوم را در بر می‌گیرد.

بیشتر توجه پژوهشگران شاهنامه به بخش‌های اساطیری و پهلوانی آن بوده است و بخش تاریخی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این پایان‌نامه بخش تاریخی شاهنامه (از پادشاهی انوشیروان تا پادشاهی یزدگرد سوم) با متون تاریخی اسلامی (ایرانی و عربی) و نیز پژوهش‌های جدید تاریخی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. بیشتر داستان‌های این بخش، تاریخ واقعی و قابل انطباق با اسناد و متون تاریخی است. از آنجا که بیشتر مورخان اسلامی در نوشتن تاریخ ایران پیش از اسلام، با واسطه و یا بدون واسطه از ترجمه‌های خدای‌نامه‌ها بهره برده‌اند، پس شباهت‌های زیادی در کلیات روایت فردوسی با آنها وجود دارد. مغایرت‌هایی نیز در روایت شاهنامه‌ی فردوسی با متون تاریخی وجود دارد که می‌توان گفت بدان دلیل بوده است که فردوسی برخلاف مورخان به مأخذ خود که شاهنامه‌ی ابومنصوری بوده، بسنده کرده و به آن وفادار بوده است، ولی مورخان اسلامی از منابع گوناگونی بهره برده‌اند. اشتباهات تاریخی و یا وجود اطلاعات ناقص فردوسی در برخی از رخدادهای تاریخی، به خاطر تبعیت از منابع خود و رعایت جانب امانت‌داری است.

این رساله شامل شش فصل می‌باشد: فصل اول، مقدمه و کلیات پژوهش را در بر دارد. فصل دوم به بخش تاریخی شاهنامه و ارزیابی آن به لحاظ تاریخی، امانت‌داری فردوسی نسبت به مأخذ خود و بررسی افسانه‌های بخش تاریخی می‌پردازد. همچنین در پایان این فصل، متون تاریخی اسلامی (عربی و فارسی) که مورد استفاده قرار گرفته‌اند، شرح داده شده‌اند. فصل سوم پادشاهی انوشیروان، فصل چهارم پادشاهی هرمزد و فصل پنجم از پادشاهی شیرویه تا یزدگرد سوم با نوشته‌های تاریخی اسلامی و عربی مقایسه شده است و فصل ششم شامل یک نتیجه‌گیری کلی از این پژوهش می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش به روش معمول کتابخانه‌ای و اسنادی است.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: مقدمه و کلیات

۱-۱ مقدمه.....	۱
۱-۱-۱ انگیزه‌ی فردوسی از نظم شاهنامه.....	۳
۲-۱-۱ موضوع و محتوای شاهنامه‌ی فردوسی.....	۵
۱-۲-۱-۱ دوره‌ی اساطیری.....	۵
۲-۲-۱-۱ دوره‌ی پهلوانی.....	۵
۳-۲-۱-۱ دوره‌ی تاریخی.....	۶
۲-۱ تعریف مسئله.....	۶
۷-۱ پیشینه‌ی پژوهش.....	۷
۴-۱ اهداف.....	۸
۵-۱ ضرورت تحقیق.....	۸
۶-۱ روش تحقیق.....	۹

### فصل دوم: بخش تاریخی شاهنامه و معرفی متون تاریخی

۱-۲ بخش تاریخی شاهنامه‌ی فردوسی.....	۱۰
۱-۱-۲ هخامنشیان در شاهنامه‌ی فردوسی.....	۱۰
۲-۱-۲ داستان اسکندر در شاهنامه‌ی فردوسی.....	۱۱
۳-۱-۲ اشکانیان در شاهنامه‌ی فردوسی.....	۱۲
۴-۱-۲ ساسانیان در شاهنامه‌ی فردوسی.....	۱۳
۲-۲ بخش تاریخی و داستان‌های افسانه‌ای.....	۱۵
۳-۲ وفاداری فردوسی به مآخذ خود.....	۱۶
۱-۳-۲ منابع فردوسی.....	۱۷
۲-۳-۲ امانت‌داری فردوسی.....	۲۰
۴-۲ ارزش تاریخی شاهنامه‌ی فردوسی.....	۲۲
۵-۲ تفاوت کلی شاهنامه‌ی فردوسی با متون تاریخی.....	۲۴
۶-۲ متون تاریخی اسلامی.....	۲۵
۱-۶-۲ تاریخ یعقوبی.....	۲۶
۲-۶-۲ اخبار الطوال.....	۲۶
۳-۶-۲ تاریخ طبری.....	۲۷
۴-۶-۲ مروج‌الذهب و معادن الجواهر.....	۲۸



۳۰	۵-۶-۲ تاریخ سنی ملوک الارض و الانبياء.....
۳۰	۶-۶-۲ تاریخ بلعمی.....
۳۱	۷-۶-۲ آفرینش و تاریخ (البدء و التاريخ).....
۳۱	۸-۶-۲ غر اخبار ملوک فرس و سیرهم (شاهنامه‌ی ثعالبی).....
۳۲	۹-۶-۲ تجارب الأمم و تعاقب الهمم.....
۳۲	۱۰-۶-۲ فارس نامه.....
۳۳	۱۱-۶-۲ مجمل التواریخ و القصص.....
۳۳	۱۲-۶-۲ الکامل.....
۳۴	۱۳-۶-۲ تاریخ گزیده.....
۳۴	۱۴-۶-۲ العبر (تاریخ ابن خلدون).....

### فصل سوم: پادشاهی خسرو نوشین روان

۳۶	۱-۳ مدت زمان پادشاهی انوشیروان.....
۳۶	۲-۳ اصلاحات انوشیروان.....
۳۶	۱-۲-۳ تقسیمات کشوری.....
۳۷	۲-۲-۳ اصلاحات مالیاتی.....
۳۹	۳-۲-۳ اصلاحات نظامی.....
۴۰	۳-۳ توصیف انوشیروان در شاهنامه.....
۴۲	۴-۳ ساخت دیوار دربند.....
۴۳	۵-۳ سرکوب مخالفان.....
۴۵	۶-۳ جنگ اول انوشیروان با روم.....
۴۹	۷-۳ داستان سرکشی نوش‌زاد- پسر انوشیروان.....
۵۱	۸-۳ داستان بزرگمهر.....
۵۱	۹-۳ داستان مهبود.....
۵۴	۱۰-۳ داستان جنگ خاقان چین با هیتالیان.....
۵۶	۱۱-۳ داستان پیدایش شطرنج و ساخت نرد توسط بزرگمهر.....
۵۹	۱۲-۳ داستان آوردن کلیله و دمنه از هندوستان.....
۶۱	۱۳-۳ زندانی شدن بزرگمهر.....
۶۲	۱۴-۳ دومین لشکرکشی خسرو به روم.....
۶۴	۱۵-۳ درگذشت انوشیروان.....
۶۵	۱۶-۳ مقایسه‌ی کلی پادشاهی انوشیروان با متون تاریخی.....

### فصل چهارم: پادشاهی هرمزد و خسرو پرویز

۶۸	۱-۴ پادشاهی هرمزد.....
----	------------------------

۶۸	۱-۱-۴ مدت پادشاهی هرمزد.....
۶۹	۲-۱-۴ کشتار بزرگان توسط هرمزد.....
۷۲	۳-۱-۴ توصیف شخصیت هرمز در شاهنامه فردوسی.....
۷۸	۴-۱-۴ جنگ‌های هرمزد با دشمنان.....
۷۸	۱-۴-۱-۴ محاصره‌ی ایران توسط دشمنان.....
۸۰	۲-۴-۱-۴ جنگ بهرام چوبین با سپاه ساوه شاه و سرکشی بهرام چوبی.....
۸۵	۵-۱-۴ سرکشی بهرام چوبین و سقوط پادشاهی هرمزد.....
۸۹	۲-۴ پادشاهی خسرو پرویز.....
۸۹	۱-۲-۴ مدت زمان پادشاهی خسرو پرویز.....
۹۰	۲-۲-۴ تاج‌گذاری خسرو پرویز.....
۹۲	۳-۲-۴ نبرد اول خسرو و بهرام.....
۹۵	۴-۲-۴ فرار خسرو به روم و قتل هرمزد.....
۹۹	۵-۲-۴ غضب پادشاهی توسط بهرام چوبین.....
۱۰۱	۶-۲-۴ استقبال قیصر روم از خسرو پرویز.....
۱۰۴	۷-۲-۴ جنگ دوم بهرام چوبین و خسرو پرویز.....
۱۰۸	۸-۲-۴ سرگذشت بهرام چوبین در ترکستان.....
۱۰۹	۱۱-۲-۴ داستان‌های افسانه‌ای بهرام چوبین.....
۱۱۱	۲-۸-۲-۴ کشته شدن بهرام چوبین.....
۱۱۴	۹-۲-۴ کشته شدن بندوی و بسطام.....
۱۱۷	۱۰-۲-۴ شیرویه در زندان.....
۱۱۸	۱۱-۲-۴ داستان شیرین و مریم همسران خسرو پرویز.....
۱۲۰	۱۲-۲-۴ داستان دار مسیح.....
۱۲۱	۱۳-۲-۴ ساخت طاقدیس و ایوان مداین.....
۱۲۳	۱۴-۲-۴ بارید رامشگر.....
۱۲۴	۱۵-۲-۴ توصیف شخصیت و عظمت خسرو پرویز.....
۱۲۶	۱۶-۲-۴ دومین جنگ ایران و روم.....
۱۲۸	۱۷-۲-۴ خلع خسرو پرویز از پادشاهی.....
۱۳۰	۱-۳-۴ مقایسه‌ی کلی پادشاهی هرمزد با متون تاریخی.....
۱۳۱	۲-۳-۴ مقایسه‌ی کلی پادشاهی خسرو پرویز با متون تاریخی.....

### فصل پنجم: پادشاهی شیرویه تا یزدگرد سوم

۱۳۵	۱-۱-۵ پادشاهی شیرویه (قباد).....
۱۳۸	۲-۱-۵ شورش مردم علیه خانواده‌ی خسرو پرویز.....
۱۳۹	۳-۱-۵ سرگذشت شیرین پس از قتل خسرو پرویز.....
۱۴۰	۴-۱-۵ سرانجام شیرویه.....

۱۴۲	۲-۵ پادشاهی اردشیر شیروی.....
۱۴۴	۳-۵ پادشاهی فرابین .....
۱۴۵	۴-۵ پادشاهی پوران دخت.....
۱۴۷	۵-۵ پادشاهی آزرمدخت .....
۱۴۸	۶-۵ پادشاهی فرخ زاد .....
۱۴۹	۷-۵ پادشاهی یزدگرد سوم.....
۱۴۹	۷-۵-۱ حمله‌ی اعراب به ایران.....
۱۵۴	۷-۵-۲ کشته شدن یزدگرد سوم.....
۱۵۸	۵-۸ مقایسه کلی دوران پادشاهی شیرویه تا یزدگرد سوم با متون تاریخ.....
۱۵۸	۵-۸-۱ پادشاهی شیرویه.....
۱۵۸	۵-۸-۲ پادشاهی اردشیر.....
۱۵۹	۵-۸-۳ پادشاهی فرابین.....
۱۵۹	۵-۸-۴ پادشاهی پوران دخت.....
۱۵۹	۵-۸-۵ پادشاهی آزرمدخت.....
۱۵۹	۵-۸-۶ پادشاهی فرخ زاد.....
۱۶۰	۵-۸-۷ پادشاهی یزدگرد سوم.....

فصل ششم: نتیجه گیری

۱۶۱	نتیجه.....
۱۷۲	فهرست منابع و مآخذ.....
۱۷۲	کتاب.....
۱۷۵	مقاله.....

## فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان و شماره
۱۶۶	جدول شماره ۱: پادشاهان ساسانی به نقل از شاهنامه‌ی فردوسی (شاهنامه).....
۱۶۷	جدول شماره ۲: پادشاهان ساسانی به نقل حمزه‌ی اصفهانی (تاریخ پیامبران و شاهان).....
۱۶۸	جدول شماره ۳: پادشاهان ساسانی به نقل از مسعودی (التنبیه و الاشراف).....
۱۷۰	جدول شماره ۴: پادشاهان ساسانی به نقل از حسن پیرنیا (تاریخ ایران).....

## فصل اول:

### مقدمه و کلیات

#### ۱-۱ مقدمه

ادبیات پدیده‌ای روبنایی است که تاریخ، مردم‌شناسی، سیاست و سایر مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی، زیربنای آن را تشکیل می‌دهند. تاریخ از جمله مصالح عمومی و یکی از شاخه‌های موجود در مقوله‌ی ادبیات است. البته با توجه به فراگیر بودن شاخه‌ی تاریخ می‌توان ادبیات را یکی از زیرمجموعه‌های تاریخ دانست، همین که سیر تحولات زبانی و ادبی در دوره‌های مختلف تاریخی، مورد بررسی قرار می‌گیرد، گونه‌ای از تاریخ‌پردازی ادبیات محسوب می‌شود، از همین روست که مقوله‌ای تحت عنوان «تاریخ ادبیات» وجود دارد. پس پیوند تاریخ و ادبیات یک رابطه‌ی دو سویه دارد. یک مورخ برای نوشتن یک اثر تاریخی ناگزیر از استفاده از سایر علوم می‌باشد، اولین چیزی که یک مورخ بدان وابسته است، بهره‌گیری از زبان و ادبیات برای انتقال مفاهیم و طرح مسائل تاریخی می‌باشد، بویژه ارتباط ادبیات و تاریخ در سیر تاریخی و ادبی ایران نمود چشم‌گیرتری دارد. «میان دو دانش یا فن تاریخ و ادبیات، در تاریخ و فرهنگ این سرزمین، از دیرباز، همراهی و همنشینی نزدیکی وجود داشته است. به بیان دیگر، اگر این دو فن را چون دو دایره در نظر آوریم، اگر راه اغراق نپوییم و نگوییم که بر هم منطبق و متحدالمرکز بوده‌اند، می‌توان گفت که بخش متداخل این دو دایره، در گذشته‌ی فرهنگ ما، عظیم، در خور نگرش است. طبیعی است که این آمیختگی و پیوند هم در مورد توانایی‌های مردان نامی تاریخ و ادب این سرزمین مصداق دارد و هم در مورد آثار سرآمد و برجسته‌ی تاریخی و ادبی. آثاری چون «تاریخ بلعمی»، «تاریخ بیهقی»، «سیاست نامه‌ی» خواجه نظام الملک و «تاریخ جهانگشا»ی جوینی که تشخیص وجه و صبغه‌ی تاریخی آنها، از رنگ و ارزش ادبیشان دشوار و حتی غیرممکن است، به هیچ رو نمی‌توان این آثار را به طور مطلق، تاریخی یا ادبی دانست. انکار ناپذیر است اگر بتوان دست کم در مورد تاریخ ایران در عهد اسلامی مورخی را یافت که در حد شناخت، درک و توانایی استفاده از متون ادبی اعم از نظم و نثر، با ادبیات آشنایی نداشته باشد. در این صورت باید در عیار مورخ بودن او تردید روا داشت.» (فرهانی منفرد، ۱۳۷۲: ۲۵).

«در تاریخ ایران اسلامی پیوند و یگانگی این دو رشته به اندازه‌ای است که یکی را بدون دیگری نمی‌توان به درستی مطالعه کرد و آشنایی کامل با منابع و مدارک تاریخی غالباً نیازمند تبحر و تخصص در ادبیات است ... مورخانی که زبان و ادبیات را به عنوان وسیله‌ی تحقیق و مقدمه‌ی کار، نیاموخته باشند، از فیض استفاده‌ی دقیق و عمیق از مدارک فارسی و عربی که در آنها مواد تاریخی در زیر حجاب رنگین و مصنوع ادبیات و تعبیرات و صنایع ادبی مخفی و مستتر است، محروم می‌باشند.» (مرتضوی، ۱۳۴۵: ۳۸۹).

متون ادبی همواره از جمله منابعی هستند که می‌توان اطلاعات تاریخی ارزشمندی را از لابه‌لای آنها بیرون کشید، زیرا شاعران و نویسندگان به خاطر پیوندی که با دستگاه حاکم و همچنین توده‌ی مردم داشتند، تا حدود زیادی بازتاب اوضاع اجتماعی و تاریخی روزگار خود بوده‌اند. برخی از نویسندگان آثار ادبی، قصد تاریخ‌نگاری نداشته‌اند، ولی ناخودآگاه در آثار نظم و نثر خود به بیان برخی از رویدادهای تاریخی روزگار خود پرداخته‌اند و معمولاً آثار آنها بازتاب دهنده‌ی مسائل تاریخی و اجتماعی روزگارشان بوده است. این موضوع را در برخی از اشعار شاعران و یا نوشته‌های نویسندگان متون نظم و نثر که در لابه‌لای گفته‌های خود به وفور از رخدادهای تاریخی و اجتماعی روزگار خود نظیر شکست‌ها و پیروزی‌های ممدوحان، طبقات اجتماعی و فرهنگ مردمی، چگونگی بر تخت نشستن حاکمان و حوادث طبیعی روزگار خود نظیر قحطی، سیل، بیماری و ... اشاره نموده‌اند، آشکار است. گروه دیگری از آثار ادبی وجود دارند که هدف از خلق آنها تاریخ‌پردازی و یا حماسه‌سرایی بوده است، این دسته تلاش نموده‌اند تا هم اخبار و روایت‌های تاریخی پیشینیان را جمع‌آوری کنند و هم آن چه را که خود دیده‌اند، به صورت یک تاریخ مدونی ارائه دهند، برای نمونه از میان متون نثر می‌توان به تاریخ بیهقی، تاریخ جهانگشای جوینی و از میان متون نظم، به شاهنامه‌ی فردوسی و ظفرنامه‌ی حمدالله مستوفی اشاره کرد. از این میان برخی از این آثار که هم به لحاظ ادبی و هم به لحاظ تاریخی دارای ارجی والا هستند و سرآمد دیگر آثار در نوع خود می‌باشند، می‌توان به تاریخ بیهقی در نثر و شاهنامه‌ی فردوسی در نظم اشاره نمود. نکته قابل توجه، صداقت و امانت‌داری هر دو نویسنده در گزارش‌های تاریخی و همچنین بیان جزئیات و پرداختن به ریزه‌کاری‌های تاریخی است. شاهنامه‌ی فردوسی و تاریخ بیهقی در یک دوره‌ی مشترک نگاشته شده‌اند، تاریخ بیهقی اثری ادبی و تاریخی است که هدف آن صرفاً تاریخ‌نگاری عصر نویسنده بوده است. مورخ آنچه را می‌دیده و یا از راویان معتبر می‌شنیده ثبت می‌نموده است ولی شاهنامه یک اثر ادبی، حماسی و تاریخی است که با بیان تاریخ گذشته‌ی ایران، صرفاً به قصد روایت اخبار تاریخی به وجود نیامده است. بلکه به خاطر شرایط اجتماعی و سیاسی زمان خود با تکیه بر روایت‌های پیشینیان، برای احیای فرهنگ، زبان و تمدن ایرانی نگاشته شده است و حتی می‌توان گفت که شاهنامه تعریفی است که فردوسی نسبت به شرایط نابسامان اجتماعی روزگار خود داشته است.

## ۱-۱-۱ انگیزه‌ی فردوسی از نظم شاهنامه

«هر ملت بزرگ باستانی برای دوران تکوین خود، حماسه‌ای دارد که باید به دست شاعری زبردست زاینده و پرورده شود. تاریخ مضبوط، از روح و آب و رنگ بی‌بهره است، گرد و خاک قرون بر خود دارد و به عالم مردگان متعلق است. اما حماسه، تاریخ زنده است و نماینده روح ملتی است که هنوز نمرده است.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۶: ۱۴).

فردوسی در سال ۳۲۹ یا ۳۳۰ قمری، در روستای باژ، از قراء ناحیه‌ی طابران طوس، در خانواده‌ای از طبقه‌ی دهقانان به دنیا آمد. «دهقانان یک طبقه از مالکان بودند که در دوره‌ی ساسانیان (و چهار پنج قرن اول اسلامی) در ایران زندگی می‌کردند و صاحبان زمین‌های زراعی بودند. جمع‌آوری مالیات اراضی را در دولت ساسانی و همچنین در دوره‌ی اسلامی بر عهده داشتند. آنها در حفظ نژاد و نسب و تاریخ و رعایت آداب و رسوم ملی تعصب و سخت‌گیری خاص می‌کردند. فردوسی از چنین طبقه‌ی اجتماعی ایران بود و به همین روی از تاریخ ایران آگاه بود و به ایران عشق می‌ورزید و به ذکر افتخارات ملی علاقه داشت. وی از خاندانی صاحب مکنّت و ضیاع و عقار بود و شوکتی تمام داشت. (رک. صفا، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۱۷-۱۱۶).

فردوسی در عصری زندگی می‌کرد که مشروعیت حکومت‌های ایرانی، بستگی به نظر خلافت عربی بغداد داشت. در زمان او سامانیان که دوست‌دار فرهنگ ایرانی بودند و غزنویان ترک حکومت می‌کردند. اندکی پس از نظم شاهنامه سامانیان قدرت خود را از دست دادند و غزنویان (۵۸۲-۳۵۱ ه.ق.) که اصلیت آنها غلامان ترک و زرخرید سامانیان بودند، تحت نظارت خلفای بغداد، بر خاک ایران حکومت را به دست گرفتند. سلطان محمود (۴۲۱-۳۸۷ ه.ق.) در آن زمان حاکم قلمرو ایران بود. در دربار وی شاعران زیادی نظیر فرخی سیستانی، عنصری و عسجدی حضور داشتند و در مدح وی شعر می‌گفتند. سلطان محمود برای کسب قدرت و توسعه‌ی قلمرو خود به خلافت بغداد اظهار انقیاد می‌نمود و دین ابزار کار وی بود، وی همچنین شاعران را برای توجیه و حمایت از کارهای خود به خدمت گرفت. «سلطان محمود برای فرهنگ و احساسات ملی ایرانیان چندان ارزش و اهمیتی قائل نبود و ادب فارسی را نیز برای جاودان ساختن نام خویش گرامی می‌داشت.» (وحید، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

از آنجا که غزنویان غلامان ترکی بودند که از اصل و نسب ایرانی برخوردار نبودند، به همین خاطر سیاست دینی را در پیش گرفتند و مخالفان خود را که عمدتاً اهل تشیع و ایرانیان اصیلی بودند که دارای اندیشه‌های ملی‌گرایانه بودند، با حربه‌ی دین سرکوب می‌کردند. «این پادشاهان ترک‌نژاد با ملت ایران در آرزوهای ملی هماهنگ نبودند، زیرا خود را از نژاد مردم ایران نمی‌دیدند و شاید حس می‌کردند که مردم نیز ممکن است ایشان را از خود بشمارند، از این رو به جای سیاست ملی و تقویت حکومت نژادی و تفاخر به اصالت نسبی- که در خاندان‌های حکومت‌گر ایرانی مرسوم بود- سیاست مذهبی و وحدت دینی را هدف خود قرار دادند.» (همان: ۱۱۳).

ایرانیان در زمان غزنویان توسط ترکان غزنوی و اعراب به شدت تحقیر می‌شدند و جایگاه شایسته‌ای در اداره‌ی مملکت خویش نداشتند. «با شروع حکومت‌های ترک اندک اندک حس میهن‌پرستی ایرانیان زائل شد و اسلام و تمدن عربی و اسلامی پرده‌ی بزرگ میان ایرانیان دوره‌ی

اسلامی و پیش از اسلام فرو افگند.» (صفا، ۱۳۸۴: ۱۵۱). خیلی پیش‌تر از زمان فردوسی ایرانیان با قیام ابومسلم خراسانی و سرنگونی خلافت اموی، جدی‌ترین تلاش خود را برای رهایی از وضع حقارت‌بار موجود انجام داده بودند. با جایگزین شدن عباسیان وضع آنها چندان تغییری نکرد، بنابراین از مقابله‌ی نظامی ناامید شده بودند، تنها راه باقی‌مانده مقابله‌ی فرهنگی برای احیای فرهنگ و تمدن ایرانی و حتی زبان و ادبیاتی بود که می‌رفت تا همچون دیگر ملت‌های مغلوب به فراموشی سپرده بشود. «از این رو بسیاری از فرهیختگان و فرهنگ‌شناسان آن روزگار، از جمله فردوسی، اهتمام ورزیدند تا داستان‌های حماسی و اسطوره‌ای و تاریخ و فرهنگ گذشته و متأخر ایران آن عهد را از صورت پراکنده و شفاهی یا نیمه‌مکتوب خارج کرده و به باز تولید هنرمندانه آن اقدام کنند. لذا این کوشش فردوسی، چون پاسخ زمان‌شناسانه و مخاطب‌شناسانه به عصر خود بود و یک خلأ فرهنگی و تاریخی و جمعی را با نیکوترین شکل هنری پر کرد، از نمونه‌های قبل و بعد از خود همچنان ممتاز ماند.» (جوکار، ۱۳۸۱: ۴۰).

پیش از فردوسی کارهایی در این زمینه صورت گرفته بود که می‌توان به شاهنامه‌های منشور ابوالمؤید بلخی، شاهنامه‌ی ابوعلی بلخی، و شاهنامه‌ی ابومنصور محمد بن عبدالرزاق - که بعدها مأخذ فردوسی در سرودن شاهنامه قرار گرفت - (صفا، ۱۳۸۴: ۱۰۷-۹۵). و همچنین به شاهنامه‌ی منظوم مسعودی مروزی و کار ناتمام دقیقی در گشتاسب‌نامه‌ی وی اشاره کرد. از میان این آثار تنها مقدمه‌ای از شاهنامه‌ی ابومنصور و گشتاسب‌نامه‌ی دقیقی که در شاهنامه‌ی فردوسی آمده به جا مانده است. (همان: ۱۷۱-۱۶۰).

دقیقی در زمان سامانیان، پیش‌تر از فردوسی شروع به نظم شاهنامه کرد، اما بیش از هزار بیت آن را نسروده بود که کشته شد. به گفته‌ی ذبیح‌الله صفا، قتل دقیقی پیش از سال ۳۷۰ و بعد از ۳۶۵ هجری اتفاق افتاده است، زیرا در آغاز سلطنت نوح بن منصور (جلوس ۳۶۵) در قید حیات بود و به امر او شروع به نظم شاهنامه کرد و پیش از آن که فردوسی شروع به نظم شاهنامه کند درگذشت. (همان: ۱۶۴).

فردوسی در سال ۳۷۰ یا ۳۷۱ قمری، در زمانی که اوضاع خراسان آشفته شده بود و سامانیان دچار جنگ‌های داخلی و خارجی شده بودند (رک، صفا، ۱۳۸۴: ۱۸۰) و سلسله‌ی سامانی رو به افول در حال منقرض شدن بود، تصمیم گرفت که کار ناتمام دقیقی را به سرانجام برساند. وی با درک شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه‌ی خود، ضرورت تدوین حماسه‌ی ملی و احیای هویت قومی، فرهنگی، زبانی و تاریخی ایرانیان را به خوبی احساس می‌کرد و تشخیص داد که از عهده‌ی چنین امر بزرگی برخواهد آمد.

فردوسی به خوبی متوجه این نکته شده بود که زبان منظوم، زبانی است که در حوزه‌ی عمومی نفوذ و تأثیر به‌سزایی دارد و می‌تواند در اذهان و دل‌ها نفوذ کند، پس آگاهانه به تاریخ‌پردازی در قالب نظم پرداخت. شاهنامه‌ی وی علاوه بر ارزش‌های والای ادبی، هنری و حماسی به خاطر روایت‌های تاریخی و واقعی خود در بخش تاریخی آن، دارای جایگاهی بلند از نظر بعد تاریخی می‌باشد.



## ۱-۱-۲ موضوع و محتوی شاهنامه‌ی فردوسی

شاهنامه‌ی فردوسی تاریخ امپراطوری ایران، از آغاز نخستین پادشاه یعنی گیومرث تا سقوط آن به دست اعراب مسلمان در زمان یزدگرد سوم را در بر می‌گیرد. در شاهنامه‌ی فردوسی، اسطوره، حماسه، تاریخ، افسانه، داستان و واقعیت درهم تنیده شده است. در شاهنامه‌ی فردوسی، ۵۰ دوره‌ی پادشاهی وجود دارد و به طور کلی به سه بخش اساطیری، پهلوانی و تاریخی تقسیم می‌شود.

### ۱-۱-۲-۱ دوره‌ی اساطیری

این دوره از عهد کیومرث تا ظهور فریدون ادامه دارد. در این عهد به ترتیب از پادشاهی کیومرث، هوشنگ، تهمورث، جمشید و ضحاک سخن به میان می‌آید. تمدن ایرانی در این زمان تکوین می‌یابد. کشف آتش، جدا کردن آهن از سنگ، بافتن، کشاورزی و امثال آن در این دوره صورت می‌گیرد. در پایان این عهد، ضحاک تازی دشمن پاکی و سمبل بدی با کشتن جمشید، قدرت را در دست می‌گیرد، اما سرانجام پس از هزار سال فریدون به یاری کاوه‌ی آهنگر و حمایت مردم او را از میان می‌برد و دوره جدید آغاز می‌شود. به طور کلی، این بخش از شاهنامه کمتر از هزار بیت از کل شاهنامه را در بر دارد.

### ۱-۱-۲-۲ دوره‌ی پهلوانی

دوره‌ی پهلوانی یا حماسی، از پادشاهی فریدون شروع می‌شود و پس از وی ایرج، منوچهر، نوذر، زوطهماسب، گرشاسب، و کی‌قباد، کی‌کاوس، کی‌خسرو، لهراسب، گشتاسب بر تخت شاهی می‌نشینند. در این دوره، جنگ‌های میان ایران و توران آغاز می‌شود و دلاورانی مانند: زال، رستم، گودرز، طوس، بیژن، سهراب و امثال آنها ظهور می‌کنند. سیاوش پسر کیکاووس به دست افراسیاب کشته می‌شود و رستم به خونخواهی او به توران زمین می‌رود و انتقام خون سیاوش را از افراسیاب می‌گیرد. در زمان پادشاهی گشتاسب، زرتشت، پیامبر ایرانیان ظهور می‌کند و اسفندیار به دست رستم کشته می‌شود. پس از کشته شدن اسفندیار، رستم نیز به دست برادر خود، شغاد از بین می‌رود و سیستان به دست بهمن پسر اسفندیار با خاک یکسان می‌گردد. با مرگ رستم دوره پهلوانی به پایان می‌رسد. این دوره بیش‌ترین قسمت از شاهنامه (حدود ۴۰ هزار بیت از کل شاهنامه) را شامل می‌شود.

## ۱-۲-۳ دوره‌ی تاریخی

این دوره حدود ۱۷ هزار بیت از سراسر شاهنامه (حدود یک سوم آن) را شامل می‌شود و با احتساب دوره‌ی پادشاهی اشکانیان شامل ۳۵ دوره‌ی پادشاهی می‌شود. این عهد با ظهور بهمن پسر اسفندیار آغاز می‌شود و تا حمله‌ی اعراب و سقوط پادشاهی ساسانیان در زمان یزدگرد سوم ادامه دارد. در این بخش از شاهنامه، فردوسی تلاش نموده است که حقایق تاریخی را با زبان شعر بیان کند. حوادث و رخداد‌های خارق‌العاده و متافیزیکی در این دوره به حداقل می‌رسد و معمولاً آنچه گزارش شده است رخداد‌های تاریخی و عادی می‌باشد. در پاره‌ای از مواقع عناصر غیرتاریخی و نمودهایی از جنبه‌های حماسی و افسانه‌ای در آن راه پیدا کرده است. به طور کلی بیشتر داستان‌ها (بویژه دوره‌ی ساسانیان) تاریخی بوده و قابل انطباق با اسناد تاریخی می‌باشد. با این وجود فردوسی در برخی موارد بنا بر اصل امانتداری در پیروی از منابع خود گاه از ذکر رخداد‌هایی چشم پوشی کرده است و گاه مطالبی را بیان داشته است که در دیگر متون تاریخی ذکر نشده است. در یک تقسیم‌بندی کلی تر شاهنامه به دو قسمت غیرتاریخی (اساطیری و پهلوانی) و تاریخی تقسیم می‌شود که این تقسیم‌بندی به نظر درست‌تر می‌آید.

## ۱-۲ تعریف مسئله

به طور کلی تاریخ ایران پیش از اسلام در متون تاریخی پیش از شاهنامه‌ی فردوسی، نظیر تاریخ طبری، اخبارالطوال دینوری، تاریخ یعقوبی و مروج‌الذهب مسعودی و نیز آثار بعد آن، نظیر شاهنامه‌ی ثعالبی، فارس‌نامه‌ی ابن‌بلخی، تاریخ‌گزیده‌ی مستوفی و مجمل‌التواریخ و القصص شرح داده شده است. از آنجا که «خدای‌نامه در بردارنده‌ی روایتی «رسمی» از تاریخ ایران بود که موبدان و دبیران دربار ساسانی در اواخر آن عصر تنظیم کرده بودند و اغلب تاریخ‌نگاران دوره‌ی اسلامی، تاریخ ایران باستان را بر اساس ترجمه‌ها و تهذیب‌های عربی همین کتاب نوشته‌اند.» (نحوی، ۱۳۸۱: ۱۲۰) و نیز (رک. سجادی، ۱۳۸۰: ۴۱)، (دیویدسن، ۱۳۷۸: ۵۰) و (صفا، ۱۳۷۴: ۴۹). لذا بررسی و مقایسه‌ی شاهنامه‌ی فردوسی با متون تاریخی در پی‌بردن به ارزش تاریخی شاهنامه - گذشته از ارزش‌های والای هنری، ادبی و حماسی آن - و همچنین در درک بهتر داستان‌های شاهنامه و نیز میزان پایبندی فردوسی به منابع مورد استفاده‌ی خود، دارای اهمیت است.

در این پژوهش بخش تاریخی شاهنامه‌ی فردوسی (از پادشاهی انوشیروان تا پایان پادشاهی یزدگرد سوم) با دیگر منابع معتبر تاریخی، مورد مطالعه، بررسی و مقایسه قرار خواهد گرفت و همگونی و ناهمگونی، مغایرت‌ها و مشابهت‌های جزئی و کلی، بر اساس دوران حکومت پادشاهان ساسانی و روایت‌های مشهور و مستقل مرتبط با آن، مورد بررسی قرار خواهد گرفت و دیدگاه فردوسی نسبت به مورخان اسلامی (عربی و فارسی) در مورد شاهان و حوادث تاریخی این دوره ارزیابی خواهد شد.

## ۳-۱ پیشینه‌ی پژوهش

در دوره‌ی تاریخی مورد بحث (از پادشاهی انوشیروان تا پایان پادشاهی یزدگرد سوم) تاکنون کار پژوهشی مستقل و منسجمی که بتواند این بخش از شاهنامه‌ی فردوسی را به این شیوه مورد بررسی و مقایسه با متون عمده‌ی تاریخی اسلامی قرار دهد، مشاهده نشده است. چند کار پژوهشی با موضوع مقایسه و تطبیق سایر بخش‌های شاهنامه با متون تاریخی و در قالب پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد و مقاله انجام گرفته است که به آنها اشاره می‌شود:

۱- مقایسه‌ی شاهنامه‌ی فردوسی با تاریخ غررالسیر ثعالبی، اسماعیل صمدی ملایوسفی، دانشگاه تبریز، ۱۳۸۳ (پایان‌نامه). در این پژوهش با تکیه بر این نظریه که شاهنامه‌ی فردوسی و شاهنامه‌ی ثعالبی هر دو از یک منبع مشترک به نام شاهنامه‌ی ابومنصوری بهره برده‌اند، پس بر همین اساس می‌توان از شاهنامه‌ی ثعالبی به عنوان یک مرجع ارزنده‌ای برای شناخت هرچه بیشتر شاهنامه‌ی فردوسی استفاده نمود. نگارنده‌ی این پژوهش با مطالعه و مقابله این دو اثر همگونی و ناهمگونی، مغایرت‌ها و مشابهت‌های کلی و جزئی را بر اساس دوران حکومت پادشاهان مورد بررسی و مقایسه قرار داده است. در نهایت وی به این نتیجه رسیده است که با وجود همسانی‌های فراوان میان این دو اثر، دیدگاه صاحبان این آثار در مورد پدیده‌ها همسان نیست، نگاه فردوسی به حوادث تاریخی همراه با حس ایران‌دوستی وی همراه است، ولی ثعالبی به عنوان یک مورخ به بیان رویدادها بسنده کرده است. تفاوت‌هایی نیز در ذکر اعلام و مکان‌های جغرافیایی میان گزارش‌های آنها وجود دارد و وحدت موضوعی که در کل شاهنامه وجود دارد، در شاهنامه‌ی ثعالبی وجود ندارد.

۲. مقایسه‌ی روایات مربوط به فریدون و منوچهر در شاهنامه‌ی فردوسی با متون تاریخی تا قرن هفتم، هوشمند دهقانی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۳ (پایان‌نامه). در این پژوهش روایت‌های مربوط به دو شخصیت فریدون و منوچهر در شاهنامه‌ی فردوسی و متون تاریخی و همچنین اوستا و برخی از آثار پهلوی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها درباره‌ی این دو شخصیت مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

۳. بررسی داستان اردشیر ساسانی در شاهنامه‌ی فردوسی و مقایسه آن با مهم‌ترین متون تاریخی، علی‌رضا جلالی، دانشگاه کرمان (پایان‌نامه). در این پژوهش داستان اردشیر ساسانی در شاهنامه‌ی فردوسی با مهم‌ترین متون تاریخی مورد مقایسه ارزیابی قرار گرفته است. با توجه به این‌که داستان اردشیر ساسانی آمیزه‌ای از افسانه و تاریخ می‌باشد، لذا در این پژوهش این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است و در نهایت برجسته‌ترین موضوعات این داستان به لحاظ حماسی یا تاریخی بودن آنها مشخص شده است.

۴- «مقایسه‌ی روایاتی چند از سلسله‌ی ساسانیان در شاهنامه و منابع تاریخی»، (مقاله). ندا اخوان‌ا قدم در پژوهشنامه‌ی علوم انسانی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (شماره ۵۱، پاییز ۱۳۸۵، صص ۲۳۶-۲۲۷). در این مقاله داستان تأسیس سلسله‌ی ساسانی توسط اردشیر، داستان فتح شهر الحضر توسط شاپور ذوالاکتاف، داستان ظهور و مرگ مانی و داستان بهرام گور در شاهنامه‌ی فردوسی

با متون تاریخی مقایسه شده است. در این مقاله تلاش شده است میزان انطباق روایت‌های فردوسی در این داستان‌ها با منابع تاریخی مستند این دوره سنجیده شود. نویسنده‌ی این مقاله پس از گزارش اختلافات موجود میان روایت شاهنامه با دیگر متون تاریخی در داستان‌های مذکور، نتیجه می‌گیرد که در دوره‌ی پادشاهی ساسانیان که در شاهنامه آورده شده است، هنوز نقل تاریخ بر داستان‌سرایی تقدم دارد و شخصیت‌ها به صورت داستانی محض درنیامده‌اند، اما سیر استحاله آغاز گشته است. این موضوع نشان از تداوم و تکوین سیری است که تاریخ در روند پیوستن به افسانه طی می‌کند.

## ۴-۱ اهداف

از مهم‌ترین اهداف این پژوهش، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. گزارش نسبتاً مختصری از تاریخ پادشاهان ساسانی (از پادشاهی انوشیروان تا یزدگرد سوم) در شاهنامه‌ی فردوسی و مقایسه‌ی آن با منابع معتبر تاریخی اسلامی- ایرانی و برخی از پژوهش‌های تاریخی جدید و روشن شدن تفاوت‌ها و شباهت‌هایی که روایت فردوسی از دوران حکومت ساسانیان با سایر متون تاریخی دارد.
۲. بیان قسمتی از ارزش‌های تاریخی جدید و شاهنامه‌ی فردوسی فارغ از ارزش‌های هنری و ادبی آن و این‌که می‌توان از شاهنامه‌ی فردوسی به عنوان یک منبع تاریخی نسبتاً موثق در شناخت تاریخ دوران ساسانیان بهره برد.

## ۵-۱ ضرورت تحقیق

بیشتر پژوهش‌های انجام گرفته به بخش‌های اساطیری و حماسی شاهنامه پرداخته‌اند و بخش تاریخی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در بخش تاریخی با شخصیت‌های واقعی و تاریخ مستند ساسانیان روبه رو هستیم، در واقع این بخش از شاهنامه یکی از منابع مورد مطالعه برای تاریخ این دوره است؛ اما لازم است به عنوان یکی از منابع تاریخی، میزان انطباق آن با تاریخ مستند سنجیده شود و ارزش تاریخی این اثر را آشکار نمود. از روی دیگر، مقایسه و بررسی شاهنامه با دیگر متون حماسی و تاریخی در درک بهتر ما از داستان‌های شاهنامه و حتی بهتر خواندن آنها بسیار مفید است.